

گفت و گو در دنیای مجازی (تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی بر گفت و گو میان فرهنگ‌ها)

احمد گل محمدی*

چکیده

دغدغه‌های فزاینده و پایدار نسبت به حفظ و ارتقای امکان همزیستی مسالمت‌آمیز و عادلانه در سطوح فروملی، ملی و فراملی، اهمیت گفت و گو را به شکل بی‌سابقه‌ای برجسته کرده است. به همین دلیل، عوامل و زمینه‌های مؤثر بر گفت و گو موضوع پژوهش‌ها و بحث‌های گوناگون قرار گرفته است. از جمله این دسته عوامل، فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی است که عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را بیش از پیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. موضوع بحث این مقاله تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی بر گفت و گو میان فرهنگ‌ها در حوزه عمومی مجازی است. در این چارچوب، استدلال می‌شود که هر چند ارتقای امکان برقراری ارتباط و داد و ستد اطلاعات امکان گفت و گو را ارتقا می‌دهد، محدود و مخدوش کننده آن هم است. محدودیت مورد نظر اساساً از توزیع نابرابر امکان‌های مرتبط با این گونه فناوری‌ها ناشی می‌شود و وضعیت خاص حوزه عمومی مجازی هم گفت و گو میان فرهنگ‌ها را مخدوش می‌کند.

واژگان کلیدی: گفت و گو، گفت و گوی فرهنگ‌ها، فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی، حوزه عمومی مجازی، نابرابری دیجیتالی.

مقدمه

بی‌گمان ارتباطات و اطلاعات محوری یکی از ویژگی‌های برجسته جهان معاصر به شمار می‌آید. امروزه پیشرفت و گسترش پر شتاب فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی، به ویژه اینترنت، هیچ مقاومتی را بر نمی‌تابد و هزینه زمانی لازم برای برقراری ارتباط به نحو غیرقابل تصور کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد در این هم‌اوردی، زمان چاره‌ای جز تسلیم محض ندارد و به قول هاروی، «نابودی» آن گریز ناپذیر است. برای فضا هم سرنوشت مشابهی رقم می‌خورد و به نحو بی سابقه‌ای فشرده و کوچک می‌شود.

فناوری‌های ارتباطی با دستکاری زمان و فضا دنیایی پدید می‌آورد که بسیار کوچک و فشرده است. این دنیا دنیایی دیجیتال است که در ابزارهایی با ابعاد چند سانتی متری (مانند گوشی تلفن همراه) یا حداکثر چندین سانتی متری (مانیتورها و یا تلویزیون‌های دیجیتال) جای می‌گیرد. پیشرفت سرسام‌آور و خیره کننده در عرصه ارتباطات، ویژگی دیگر جهان معاصر را تعیین می‌کند که همان اطلاعات محوری است. آنچه در شبکه‌های بسیار گسترده ارتباطی جریان دارد حجم بسیار عظیمی از اطلاعات است که لحظه به لحظه بر شمار آن افزوده می‌شود. همین حجم عظیم تولید، توزیع و مصرف اطلاعات جهان معاصر را به جهان اطلاعات محور تبدیل کرده است.

فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی

فناوری‌های ارتباطاتی - و اطلاعاتی، از راه‌های مختلف، به ویژه پدید آوردن فضایی مجازی و دیجیتال^۱، ابعاد و وجوه گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرچه این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از حوزه‌ای به حوزه دیگر تفاوت می‌کند، می‌توان گفت هیچ جامعه و یا حوزه‌ای از تأثیر فناوری‌های نامبرده برکنار نیست. امروزه فرهنگ، اقتصاد، سیاست و دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی کم و بیش از فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی متأثر شده است. در نتیجه این تأثیرگذاری متنوع و گسترده، موجی از پژوهش‌ها و مطالعات مختلف شکل گرفته که محور بحث آنها بررسی آثار و پیامدهای مختلف این گونه فناوری‌ها است. در سال‌های پایانی سده بیستم و نخستین سال‌های سده بیست و یکم آثار

1. Cyberspace.

فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی به یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، فرهنگ پژوهان و دیگر پژوهشگران حوزه علوم انسانی - اجتماعی تبدیل شده است و آنان می‌کوشند از زوایای مختلف به این پدیده و پیامدهای آن بپردازند. در این میان، آثار و پیامدهای سیاسی - فرهنگی فناوری‌های مورد بحث، به ویژه اینترنت، نیز اهمیت و موضوعیت یافته است. پژوهشگران علاقه‌مند و فعال این حوزه پژوهشی می‌کوشند به پرسش‌های مختلفی درباره تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی بر دموکراسی، دولت، جنسیت، قومیت، هویت و دیگر نهادهای ویژگی بخش و تعیین کننده زندگی سیاسی پاسخ دهند. به بیان دیگر، آنان می‌خواهند به بررسی این موضوع بپردازند که چنین فناوری‌هایی چه امکانات و محدودیت‌هایی برای زندگی سیاسی سالم تر - به ویژه از لحاظ تعدیل و تحدید عوامل محدود و مخدوش کننده «ارتباطات کلامی» و میزان پابندی به قواعد دموکراسی و حقوق بشر - به وجود می‌آورند. پرسشی که موضوع بحث نوشتار حاضر است، در واقع به یکی از شاخص‌های زندگی سیاسی - فرهنگی سالم و تأثیر فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی بر آن مربوط می‌شود: فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی چه تأثیری بر امکان و وضعیت گفت و گو و، بنابراین، گفت و گو میان فرهنگ‌ها می‌گذارند؟ آیا این دسته فناوری‌ها بستر مناسبی برای گفت و گو (ی فرهنگ‌ها) فراهم می‌کنند یا موانع و محدودیت‌هایی در برابر آن به وجود می‌آورند؟ پاسخ موقتی و اولیه به پرسش بالا این است که فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی، گفت و گو و بنابراین گفت و گو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند. در واقع عامل سامان بخش داده‌ها و هدایت کننده استدلال‌های بحث حاضر این فرضیه است که فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی، به واسطه ایجاد حوزه عمومی دارای برخی ویژگی‌ها، گفت و گو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند. البته این فرضیه معطوف به تأثیر منفی فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی بر گفت و گوی میان فرهنگ‌ها به معنای نفی آثار مثبت آنها نیست. بی‌گمان فناوری‌های مورد نظر امکان‌های بسیاری برای گفت و گو و در نتیجه گفت و گو میان فرهنگ‌ها به وجود می‌آورند که موضوع بحث‌های جدی قرار گرفته است. مثلاً می‌توان گفت که اینترنت با فراهم کردن امکانات بی‌سابقه‌ای برای بازتولید بی‌هزینه، پخش یا انتشار همزمان و تمرکززدای بنیادی، گفت و گو و گفت و گو میان فرهنگ‌ها را بیش از پیش آسان‌تر

می‌کند. ولی در این نوشتار، به‌رغم آگاهی از آثار مثبت اینترنت و فناوری‌های دیگر، صرفاً آثار منفی و محدودکننده را بررسی خواهیم کرد، زیرا آگاهی شرط لازم هر گونه اقدام برای تعدیل و کاهش این گونه آثار است.

ولی پیش از اینکه به رابطه فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی و گفت و گو میان فرهنگ‌ها بپردازیم، باید معنا و منظور خود را از مفاهیم اصلی فرضیه نامبرده روشن کنیم. این مفاهیم عبارت‌اند از: «فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی»، «حوزه عمومی مجازی» یا سایبراسپیس، «گفت و گو» و «گفت و گوی میان فرهنگ‌ها». هر چند تنوع و گستره معنایی مفاهیم مورد نظر چندان چشمگیر نیست و اجماعی نسبی برسر معنا و کاربرد آنها وجود دارد، بی‌گمان تعریف و تحدید آنها به درک بهتر بحث و کاهش احتمال سوء تفاهم کمک خواهد کرد.

چنان که از خود عبارت برمی‌آید، به بیان ساده و غیرفنی، مفهوم فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی به ابزارها و فنونی معطوف است که ارتباط با واسطه میان دو نفر یا بیشتر را فراهم می‌کند. هر چند انواع مختلفی از چنین ابزارها و فنون وجود دارد، در این بحث به فراگیرترین، مؤثرترین و پرکاربردترین آنها نظر داریم: تلفن، فکس و مهم‌تر از همه، اینترنت.

معنای لغوی فضای مجازی عبارت است از «فضای قابل هدایت» که از ریشه یونانی kyber به معنای هدایت کردن کشتی که همان سکان‌داری است گرفته شده و نخستین بار ویلیام گیبسون در رمانی با عنوان *Neuromancer* (1984) به کار برد. در این کتاب واژه سایبراسپیس معطوف است به فضای قابل هدایت دیجیتالی رایانه‌های شبکه‌ای قابل دسترس برای کاربران رایانه؛ یا یک فضای بصری، رنگی و الکترونیک که افراد در چارچوب آن تبادل اطلاعات می‌کنند (Dodge&Kitchin, 2000:1). به عبارتی، منظور از سایبراسپیس فضایی تصویری است که فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی ایجاد می‌کنند.

فضایی که این گونه ایجاد می‌شود، فضایی است بسیار فراخ و هر فرد یا گروه، در صورت دارا بودن زمینه‌ها و ابزارهای لازم، می‌تواند به درون آن راه یابد. پس این فضا در واقع نوعی حوزه عمومی است که یورگن هابرماس آن را چونان قلمرو مکالمه یا گفت و گوی فارغ از زور و اجبار و معطوف به یک توافق عملی تعریف می‌کند. در این بحث

سایبراسپیس را نوعی حوزه عمومی می‌دانیم ولی از نوع مجازی است نه واقعی که، به همین علت، ورود به آن و گفت و گو در درون آن با حوزه عمومی واقعی متفاوت است. در تعریف گفت و گو میان فرهنگ‌ها باید گفت که معنایی فراگیر از این مفهوم را مدنظر داریم. اگر گفت و گو را هرگونه تبادل معنا یا نشانه‌های معنایی بدانیم، گفت و گو میان فرهنگ‌ها یعنی هرگونه تبادل یا دادوستد اجزا و عناصر فرهنگی متعلق به فرهنگ‌های مختلف که همراه است با: ۱. آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی یا وجود فرهنگ‌های گوناگون و پرشمار، ۲. نقد و نقدپذیری فرهنگی، و ۳. همزیستی و آمیزش فرهنگی. به بیان دیگر، دادوستدها یا مبادلاتی مصداق گفت و گوهای فرهنگی هستند که میزان آگاهی از وجود فرهنگ‌های دیگر، نقد و نقدپذیری فرهنگی، و همزیستی و آمیزش فرهنگی را افزایش دهد.

محدودیت‌های دسترس به حوزه عمومی مجازی

پس از این بحث مقدماتی، اکنون باید رابطه میان دو متغیر را بررسی کرده، ببینیم فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی چگونه گفت و گو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کند. چنان که در آغاز بحث اشاره شد، ادعای مقاله حاضر این است که ارتباط و تأثیر محدود و مخدوش کننده موردنظر به واسطه حوزه عمومی مجازی ناشی از آن فناوری‌ها امکان پذیر می‌شود. فضا یا حوزه عمومی مجازی نامبرده در عین حال که گستره فراخی است برای جریان و تبادل نشانه‌های فرهنگی بسیار پرشمار و گوناگون، نقش و تأثیر محدود و مخدوش کننده هم دارد.

نقش و تأثیر محدود و مخدوش کننده مورد نظر به ماهیت، ساختار و ویژگی‌های حوزه عمومی مجازی مربوط می‌شود. این حوزه عمومی دارای ساختار و ویژگی‌هایی است که امکان ورود به آن و گفت و گو در درون آن را محدود و مخدوش می‌کند. گرچه این حوزه می‌تواند عرصه فراخ مناسبی باشد برای دادوستدهایی که میزان آگاهی افراد و گروه‌ها از تنوع و تعدد فرهنگی، نقد و نقدپذیری فرهنگی، و همزیستی و آمیزش فرهنگی را بالا می‌برد، برخی عوامل مربوط به ساختار و ماهیت آن، توانایی مورد نظر را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد. شناسایی این گونه ویژگی‌ها و بیان چگونگی تأثیر محدود و مخدوش کننده آنها محور اصلی بحث در سطور آتی این نوشتار خواهد بود.

به طور کلی این ویژگی‌ها یا عوامل دارای تأثیر منفی بر گفت و گو میان فرهنگ‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته عواملی هستند که دسترس و ورود به حوزه عمومی را محدود می‌کنند و مانع از آن می‌شوند که افراد و یا گروه‌های متعلق به فرهنگ‌های مختلف یا دیگر نمایندگان این فرهنگ‌ها امکان و فرصت نسبتاً برابری برای راه‌یابی به سایبراسپیس یا حوزه عمومی مجازی داشته باشند. دسته دیگر هم عواملی هستند که به شیوه‌ها و صورت‌های گوناگون از شکل‌گیری دادوستد یا گفت و گوی منجر به آگاهی فرهنگی، نقدپذیری فرهنگی و آمیزش فرهنگی در چارچوب حوزه عمومی مجازی جلوگیری می‌کنند یا در فرایند چنان دادوستدی خلل ایجاد می‌کنند. عوامل دسته نخست به پیش نیازهای گفت و گو مربوط می‌شوند، ولی عوامل دسته دوم به خود گفت و گو به ترتیب درباره هر دو دسته سخن خواهیم گفت.

چنان که بیان شد عوامل دسته اول معطوف به عواملی است که به شیوه‌های مختلف امکان و احتمال دسترس و راه‌یابی نسبتاً برابر نمایندگان فرهنگ‌های مختلف به حوزه عمومی مجازی را کاهش می‌دهند. به بیان دیگر، این گونه عوامل باعث می‌شوند تا فرهنگ‌های موجود حضور کم و بیش برابری در حوزه عمومی نداشته باشند و صدای برخی فرهنگ‌ها کمتر به گوش برسد یا اصلاً به گوش نرسد. البته خود این محدودیت نتیجه دو عامل است.

نخستین عامل به امکانات و ابزارهای لازم برای ورود به حوزه عمومی مجازی و شرکت در گفت و گوی فرهنگی مربوط می‌شود. گر چه ورود به حوزه عمومی واقعی هم تا حدودی نیازمند امکانات و ابزارهایی هر چند ساده و اولیه بوده و است و توزیع نابرابر این امکانات و ابزارها تأثیر منفی بر حضور و گفت و گو در آن حوزه می‌گذارد، این امر درباره حوزه عمومی مجازی اهمیت بیشتری دارد، زیرا راه‌یابی به چنین حوزه‌ای کاملاً به ابزارها و امکاناتی بسیار پیشرفته‌تر و البته گران قیمت‌تر وابسته است. مثلاً تردیدی نیست که بدون رایانه و خط تلفن قابل اتصال به اینترنت، ورود به سایبراسپیس و بنابراین شرکت در جریان گسترده دادوستد فرهنگی امکان‌پذیر نیست.

هر چند سایبراسپیس چونان فضایی تلقی می‌شود که هرکس می‌تواند به آن راه یابد، در عالم واقع این فضا برای همه قابل دسترس نیست، زیرا ابزارها و امکانات لازم

برای راه‌یابی به آن به صورتی نابرابر توزیع شده است. این نابرابری برپایه شکاف‌ها و مرزهای جغرافیایی، اقتصادی - طبقاتی، سیاسی (فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی)، اجتماعی (سن، جنس) فرهنگی شکل گرفته است. فرایند شکل‌گیری، بازتولید و تأثیر این نابرابری بسیار پیچیده است، ولی به طور کلی می‌توان گفت که امروزه انسان‌های متعلق به حوزه‌های جغرافیایی، کشورها، طبقات، جنس‌ها و فرهنگ‌های مختلف به میزان برابری امکانات و ابزارهای راه‌یابی به حوزه عمومی مجازی را ندارند (ر. ک. Loader, 1998:35-56). به همین دلیل برخی پژوهشگران از نخبه‌گرایی یا نخبه‌پروری سایبراسپیس سخن می‌گویند: «سایبراسپیس نوعی فضای متعلق به نخبگان است، زمینی است برای بازی ثروتمندان» (Hess, 1995:116).

دومین عامل به پیش نیازهای مهارتی ورود به حوزه عمومی مجازی مربوط می‌شود. حتی اگر ابزارها و امکانات ورود به حوزه عمومی مجازی به صورت نسبتاً برابری توزیع شده باشد، حضور برابر در این حوزه تضمین نخواهد شد، زیرا استفاده از ابزارها و امکانات نامبرده مستلزم مهارت‌هایی است. هر اندازه این مهارت‌ها نابرابر توزیع شده باشد، حضور در حوزه عمومی مجازی به همان اندازه نابرابر خواهد بود.

هر چند این امر در مورد حضور در حوزه عمومی واقعی نیز صادق است، در باره حوزه عمومی مجازی تأثیر و اهمیت بیشتری دارد. بی‌گمان تلاش‌های چشمگیری صورت می‌گیرد تا کاربرد امکانات و ابزارهای ارتباطاتی - اطلاعاتی، از جمله ابزارها و امکانات لازم برای ورود به حوزه عمومی مجازی، بیش از پیش برای کاربران آسان شود. ولی با وجود این امروزه استفاده - مناسب - از حتی ساده‌ترین امکان و یا ابزار نیازمند حداقلی از مهارت است. درست است که کاربرد فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی ساده و حتی بومی (مانند امکان استفاده به زبان‌های مختلف) شده، حداقلی از سواد و آموزش لازم است تا بتوان از طریق آن فناوری‌ها به حوزه عمومی مجازی راه یافت.

توزیع این گونه پیش نیازها نیز بسیار نابرابر است. این نابرابری صرفاً بر پایه حدود مرزهای فرهنگی شکل نگرفته است و نابرابری‌های طبقاتی، جنسی، ملی و سیاسی را هم دربرمی‌گیرد (Wilhelm, 2000:6-7). ولی در موارد زیادی نابرابری‌های غیرفرهنگی با نابرابری‌های فرهنگی انطباق دارد و یا آن را تقویت می‌کند. بنابراین، به طور کلی میزان مهارت‌های افراد و گروه‌های متعلق به فرهنگ‌های خاص که در درجه

نخست همان فرهنگ غربی (اروپایی - امریکایی) است بسیار بیشتر از افراد و گروه‌های متعلق به فرهنگ‌های دیگر است (Clement, 1998).

بدین ترتیب می‌بینیم که پیش نیازهای مهارتی ورود به حوزه عمومی مجازی نیز مانند پیش نیازهای ابزاری به صورتی نابرابر توزیع شده است. عوامل یادشده به این معنا محدود کننده هستند که به شیوه‌های مختلف از دسترس نسبتاً برابر نمایندگان فرهنگ‌های مختلف به حوزه عمومی جلوگیری می‌کنند. تحت تأثیر این عوامل حوزه عمومی مجازی که عرصه‌ای بسیار فراخ است و می‌تواند نشانه‌ها و نماینده‌های فرهنگی بسیار گوناگون و پرشمار را دربرگیرد، به فضایی تبدیل می‌شود که بخش عمده‌ای از آن را فرهنگ‌های خاصی اشغال می‌کنند و بسیاری فرهنگ‌ها در حاشیه آن قرار می‌گیرند یا اصلاً نمی‌توانند به درون آن راه یابند.

بی‌گمان این محدودیت محدودیت گفت و گو میان فرهنگ‌ها است. اگر یکی از عناصر ویژگی بخش گفت و گوی فرهنگ‌ها را هرگونه تبادل یا دادوستد نشانه‌های فرهنگی بدانیم که میزان آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی را افزایش دهد، حوزه عمومی مجازی بستر مناسبی برای این مهم فراهم نمی‌کند، زیرا عوامل نامبرده از حضور فرهنگ‌های مختلف در این حوزه تا حدود زیادی جلوگیری می‌کنند. به بیان دیگر در حوزه عمومی مجازی نشانه‌ها و حضور برخی فرهنگ‌ها بسیار بیشتر است و این واقعیت تأثیر منفی و محدود کننده بر آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی و، بنابراین، گفت و گو میان فرهنگ‌ها می‌گذارد.

گفت و گوی مخدوش در حوزه عمومی مجازی

دسته دوم عوامل ویژگی بخش حوزه عمومی مجازی که بر گفت و گوی میان فرهنگ‌ها تأثیر منفی می‌گذارند به خود فرایند گفت و گو در درون این حوزه مربوط می‌شوند. در حالی که عوامل دسته اول به واسطه جلوگیری از دسترس کم و بیش برابر فرهنگ‌های مختلف چنین تأثیری می‌گذارند، عوامل دسته دوم خود گفت و گو را محدود و مخدوش می‌کنند. عوامل دسته اول امکانات و زمینه ورود به حوزه عمومی و شرکت در گفت و گو را محدود می‌کنند ولی تأثیر محدود و مخدوش کننده عوامل دسته دوم در فرایند گفت و گو آشکار می‌شود. باید ببینیم این عوامل چه عواملی هستند و چگونه تأثیر محدود و مخدوش کننده دارند.

نخستین عامل از دسته دوم عوامل محدود و مخدوش کننده را می‌توان تنوع‌گریزی نامید. با وجود اینکه فرهنگ‌های مختلف حضور نسبتاً برابری در سایبراسپیس یا حوزه عمومی مجازی ندارند، می‌توان گفت که این حوزه تاحدودی دربرگیرنده عناصر و نشانه‌های فرهنگی گوناگون است. هرچند حوزه عمومی مجازی نماینده راستین همه فرهنگ‌های موجود نیست، کم و بیش شمار زیادی از فرهنگ‌ها را نمایندگی می‌کند. ولی مسئله این است که این تنوع اندک و حداقل هم انسان‌ها را به گفت و گوی فرهنگی، به ویژه از لحاظ آگاهی - بیشتر - از تعدد و تنوع فرهنگی، رهنمون نمی‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که برخی دشواری‌های مربوط به حوزه عمومی مجازی، به ویژه دشواری پردازش اطلاعات، مانع از آن می‌شوند تا انسان‌ها به بخش‌های جدید، متفاوت و متنوع فضای مجازی بروند. به همین دلیل ادعا می‌شود که هر چند «دوست» پیدا کردن در دنیای مجازی بسیار آسانتر از دنیای واقعی است، برخورد با انسان‌های متفاوت بسیار دشوارتر است. در چنین دنیایی انسان‌ها اغلب مستقیماً به جایی می‌روند که موضوع‌های مورد علاقه آنان مورد بحث قرار می‌گیرد و بنابر این با انسان‌هایی آشنا می‌شوند که علایق و احساسات مشترکی با آنها دارند (Rheingold, 1995:62).

به همین دلیل، سایبراسپیس هم مانند «دنیای واقعی» مکانی نیست که در آن شما وارد «شبکه شگفت‌آوری از انسان‌ها، محل‌ها و آرا و افکار جدید» بشوید. فرد با انسان‌های «متعلق به هر نوع جوامع و اوضاع زندگی» برخورد نمی‌کند، زیرا انسان‌ها و پوشه‌های بسیار فراوانی وجود دارد. آنجا شاید تنوع وجود داشته باشد... ولی واقعیت مسلم این است که فرد معمولی با آن تنوع برخورد نخواهد کرد، زیرا با یک مغز، یک شغل، یک شریک، یک خانواده، و یک زندگی، هیچ کس فرصتی برای ورود به دنیای متنوع ندارد (Kadi, 1995:59).

به این ترتیب حوزه عمومی مجازی گفت و گوی میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کند، زیرا بستر مناسبی برای دادوستد یا تبادل نشانه‌های فرهنگی منجر به افزایش آگاهی از تنوع و تعدد فرهنگی فراهم نمی‌کند.

عامل دیگری که باعث می‌شود تا حوزه عمومی مجازی گفت و گو و بنابراین گفت و گو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش کند از وجود نوعی اضطراب در ارتباطات دیجیتالی یا گفت و گو در دنیای مجازی ناشی می‌شود. به بیان روشنتر، برای این که

گفت و گویی واقعی میان فرهنگ‌ها صورت گیرد - گفت و گویی همراه با آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی، نقدونقدپذیری فرهنگی، و آمیزش فرهنگی - باید نه تنها نشانه‌ها به صورت کامل ردوبدل شوند، فرصت و امکان تأمل درباره این نشانه‌ها نیز وجود داشته باشد. ولی حوزه عمومی مجازی چنین زمینه‌هایی را به خوبی تأمین نمی‌کند (Streck, 1998:44).

در نگاه نخست به نظر می‌رسد سایبراسپیس باید فضای مناسبی برای دادوستد بی‌کم و کاست نشانه‌های فرهنگی و تأمل درباره آنها باشد، ولی واقعیت بسیار متفاوت است. در حالی که رشته‌های ارتباطی موجود در سایبراسپیس ممکن است برای همیشه برقرار باشند، معمولاً نشانه‌های فرهنگی را به صورت کامل مبادله نمی‌کنند. نکته مهم‌تر اینکه هر چند دلیلی فنی وجود ندارد تا افراد را به پاسخ یا واکنش سریع و همزمان وادارد، واقعیت این است که ارتباط دیجیتالی، به ویژه از طریق اینترنت، نوعی اضطراب ایجاد می‌کند. به بیان دیگر اینترنت امکان ارتباط همزمان را ایجاد می‌کند و به همین دلیل احساس می‌کنیم که باید به صورت همزمان ارتباط برقرار کنیم (Stoll 1995:167).

همین اضطراب‌آمیز بودن و همزمان بودن ارتباط در حوزه عمومی مجازی باعث می‌شود تا این حوزه عرصه مناسبی برای گفت و گو نباشد و به همین دلیل گفت و گو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش کند. گفت و گوی میان فرهنگ‌ها عبارت است از تبادل نشانه‌های فرهنگی که با نقد و نقدپذیری فرهنگی همراه باشد. ولی اگر، به دلیل همان احساس اضطراب و لزوم ارتباط همزمان، تأمل درباره نشانه‌های مبادله شده دشوار باشد، چنان تبادلی به سختی می‌تواند نقد و نقدپذیری فرهنگی را افزایش دهد.

ارتباط در حوزه عمومی مجازی نه تنها با همزمانی، سرعت و اضطراب ویژگی می‌یابد، دربرگیرنده نوعی آزادی بیش از حد نیز است که بخشی از تأثیر محدود و مخدوش کننده حوزه عمومی موردنظر به همین ویژگی مربوط می‌شود. هر چند آزادی شرط لازم هرگونه ارتباط و گفت و گوی سالم و سازنده است، باید گفت که آزادی موجود در سایبراسپیس نوعی آزادی بی‌مهار است؛ آزادی‌ای است برای نادیده گرفتن دیگران و گوش ندادن به حرف آنان.

این گونه آزادی نتیجه برخی ویژگی‌های فنی و غیر فنی حوزه عمومی مجازی است که می‌توان با عناوینی مانند ناشناختگی، ردیابی‌ناپذیری نسبی و بنابراین رهایی از مجازات بیان کرد. امروزه ساختار فنی و غیرفنی حوزه عمومی مجازی این امکان را تا

حدود زیادی برای کاربران فراهم می‌کند تا بتوانند از چنگ نظام‌های نظارتی مختلف رهایی پیدا کنند. مثلاً یک فرد می‌تواند به گونه‌ای از اینترنت استفاده کند که ردیابی او بسیار دشوار و پرهزینه یا حتی ناممکن باشد. بنابراین، حوزه عمومی مجازی یا سایبراسپیس به فضای بسیار فراخی تبدیل می‌شود که می‌توان به صورت ناشناخته در آن سیر کرد و فارغ از مسئولیت و مجازات، هرگونه نیت و خواست خود را در آن بیان کرد. بی‌گمان آزادی ناشی از این گونه ناشناختگی، ردیابی ناپذیری و مجازات‌گریزی، تأثیر منفی برگفت و گو و گفت و گوی میان فرهنگ‌ها می‌گذارد. ویژگی‌های نامبرده باعث می‌شوند تا حوزه عمومی مجازی به عرصه‌ای برای عرضه دیدگاه‌ها و درخواست‌های بسیار افراطی تبدیل شود. در چنین فضایی آزادی بیان معنای اصلی خود را از دست می‌دهد و تعهد به این ارزش متعالی مورد تهدید قرار می‌گیرد. به بیان روشن‌تر، آزادی بیان در حوزه عمومی مجازی به صورت آزادی برای گفتن و البته گفتن هر چیزی درمی‌آید، بدون پایبندی به شنیدن.

ولی گفت و گو دربرگیرنده دو عنصر گفتن و شنیدن است که هر دو به یک اندازه ارزش و اهمیت دارند. اگر افراد یا فرهنگ‌های موجود در حوزه عمومی مجازی بتوانند و بخواهند به سخن دیگران گوش ندهند، گفت و گو محلی از اعراب نخواهد داشت. در چنین شرایطی حضور نشانه‌های متعلق به فرهنگ‌های مختلف در حوزه عمومی مجازی چندان به افزایش آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی، نقد و نقدپذیری فرهنگی و آمیزش فرهنگی نمی‌انجامد. پس این ویژگی حوزه عمومی مجازی (آزادی نامحدود و مسئولیت‌ناپذیر) نیز گفت و گوی میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کند.

نتیجه‌گیری

هر چند افزایش و گسترش فناوری‌های ارتباطاتی - اطلاعاتی امکان و زمینه گفت و گو (میان فرهنگ‌ها) را ارتقا می‌دهد، تأثیر محدود و مخدوش کننده هم دارد و در این مقاله صرفاً به عوامل و شرایط محدود و مخدوش کننده پرداختیم. عوامل و ویژگی‌هایی که برشمردیم و بر شمار آنها می‌توان افزود (برای آگاهی بیشتر در این باره ر. ک. Calhoun, 1992; Dunlop and Kling 1991) مهمترین عوامل و ویژگی‌هایی هستند که گفت و گو و گفت و گو میان فرهنگ‌ها را در حوزه عمومی مجازی یا سایبراسپیس

محدود و مخدوش می‌کنند، زیرا کم و بیش و به صورت‌های مختلف، از دادوستد نشانه‌های متعلق به فرهنگ‌های مختلف که با آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی، نقد و نقدپذیری فرهنگی و آمیزش فرهنگی همراه است جلوگیری می‌کنند.

برخی از این عوامل یا ویژگی‌ها (توزیع نابرابر ابزارها و امکانات راه‌یابی به حوزه عمومی مجازی) مانع از آن می‌شوند تا فرهنگ‌های مختلف حضوری نسبتاً برابر در این حوزه داشته باشند، و به این ترتیب آگاهی از تعدد و تنوع فرهنگی را محدود و مخدوش می‌کنند. برخی دیگر باعث می‌شوند تا انسان‌ها در دنیای مجازی دارای تنوع فرهنگی هر چند اندک، نتوانند و یا نخواهند با فرهنگ‌های متفاوت برخورد کنند. برخی هم ماهیت گفت و گو را مخدوش کرده، آن را به جریان یا رابطه‌ای یک سویه، که دربرگیرنده آگاهی، نقد و نقدپذیری، و آمیزش فرهنگی نیست، تبدیل می‌کنند.

پس همه موارد بیان شده نشان دهنده اعتبار ادعایی است که سامان بخش و محور اصلی این نوشتار است و در پایان دوباره تکرار می‌شود: فناوری‌های ارتباطاتی – اطلاعاتی، به واسطه حوزه عمومی مجازی که پدید می‌آورند، گفت و گو و بنابر این گفت و گو میان فرهنگ‌ها را محدود و مخدوش می‌کنند. البته این ادعا هرگز به معنای بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آثار مثبت فراوان این گونه فناوری‌ها نیست.

منابع

- Calhoun, C., ed. (1992) *Habermas and Public Sphere*, Cambridge: MIT Press.
- Clement, P.C. (1998) *The State of Net*, New York: McGraw-Hill, Dodge, M. and R.Kitchin (2000) *Mapping cyberspace*, London: Routledge.
- Dunlop C. (1991) and R. Kling (ed.) *Computerization and Controversy*, New York: Academic Press.
- Hess, D. J. (1995) *Science and Technology in a Multicultural World*, New York: Columbia University Press.
- Kadi, M. (April 1995) "Welcome to Cyberbia", *Unte Reader March*.
- Loader, B.D (ed.) (1998) *The Cyberspace Divided*, London: Routledge.
- Rheingold, H. (April 1995) "The Virtual Communiy", *Unte Reader March*.
- Stoll, C. (1995) *Silicon Snake Oil*, New York: Doubleday.
- Streck, J. M. (1998) "Pulling the Plug on Electronic Town Meetings" in Toulouse and Luke (ed.) *The Politics of Cyberspace*, London: Routledge.
- Wilhelm, A. G. (2000) *Democracy in the Digital Age*, New York: Routledge.